

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت و کیم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵

اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵

جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷

آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱

نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹

نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷

پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹

جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳

ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱

بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۳/۳/۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabase.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید»... / حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

جستاری در هویت «شیخ بحر فارس» (دانشمندی ناشناخته از قرن چهارم هجری)

سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده*

چکیده

حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور، ضمن تراجم مشایخ خویش، در شرح حال استادش ابوالعباس میکالی (د. ۳۶۲ق) پس از ذکر نام و نسب وی، در بیان تحصیل او، در ضمن گزارش خود، از سماع الموطأ مالک توسط او در منطقه فارس نزد دانشمندی ناشناس مشهور به «شیخ بحر فارس» یاد کرده که این شیخ خود آن را از شاگرد و راوی مالک، ابو مصعب زهری (د. ۲۴۳ق) اخذ نموده است. نویسنده در این مقاله با استفاده از شواهد حدیثی - رجالی به تعیین احتمالی هویت این شخص پرداخته و طبق یافته‌ها «شیخ بحر فارس» را ابن زیرک فارسی دانسته است.

کلیدواژه‌ها: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، الموطأ مالک، ابوالعباس میکالی، ابن زیرک فارسی، شیخ بحر فارس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۸

* دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران و پژوهشگر متون تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی /

smm.djafari@gmail.com

مقدمه

ابو عبدالله حاکم بن یحیی نیشابوری، در تاریخ نیشابور، در دو موضع از سماع و بهره‌یابی استادش ابوالعباس اسماعیل میکالی نیشابوری (د. ۳۶۲ق)، ادیب نامدار خراسان، نزدیکی از مشایخ دانشمند «اقلیم پارس» یاد می‌کند که خود از شاگردان و راویان ابو مصعب زهری مدنی، از واپسین راویان مالک و الموطأ او بوده است. نخست در ترجمه حال نسبتاً مفصل ابوالعباس میکالی، که از آن دانشمند ناشناس فارسی با عنوان ابهام‌آمیز «شیخ بحر فارس» یاد نموده است (السمعانی، ۱۳۸۲ق: ۵۳۴/۱۲، ذیل «المیکالی»)^۱ و دگر بار در شرح حال دیگر استاد ادیب خود، ابوبکر نحوی جوری (د. ۳۵۹ق) - از اهالی گور (جور) فارس و مقیم نیشابور، و از شاگردان ابن‌دُرید ازدی و ابن‌درستویه فارسی - که حاکم از او با تعبیر «علامه» در «معرفة الأنساب و علوم القرآن» یاد کرده است. حاکم در ضمن شرح حال ابوبکر نحوی جوری، به سماع الموطأ مالک توسط میکالی در کتّابی (ادبستان) واقع در فارس اشاره نموده که آن را نزد شیخی از اهل فارس فرا گرفته که آن شیخ خود آن را از ابو مصعب زهری روایت داشته است (السمعانی، ۱۳۸۲: ۳۹۹/۲، ذیل «الجوری»). بی‌گمان وجود فرهنگنامه‌ها و تواریخ محلّی کهن فارس^۲ می‌توانست در شناخت و روشن شدن هویت این دانشمند کارساز باشد. با این همه می‌توان به کمک شواهد ارائه‌شده در برخی متون تراجم و بررسی زنجیره‌اسانیدی که شامل مشایخ و استادان شخص مورد نظر است، تا اندازه‌ای از ابهامات موجود کاست.

۱. یاقوت حموی نیز، ضمن تصریح به نقل این بخش ترجمه میکالی از تاریخ حاکم، تنها به سماع موطأ مالک توسط او اشاره کرده است، بی‌آنکه به شیخی که از او سماع نموده، توجه داده باشد (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۷۲۲/۲).
 ۲. متون و تواریخی همچون: «مَشَيْخَةُ فَارِس» ابوالحسن دیلمی (د. ۳۷۱ق)؛ «مَشَيْخَةُ فَارِس» ابوشجاع مقاریزی (د. ۵۰۹ق) در شرح احوال مشایخ فارس در سه طبقه (جنید شیرازی، ۱۳۲۸ش: ۴ و ۱۰۱)؛ «تاریخ مشایخ فارس» صائن‌الدین حسین بن سلمان الفقیه (د. ۶۶۴ق) (همان: ۱۷۷)؛ «طبقات اهل فارس و شیراز» حافظ ابو عبدالله القصّار (السمعانی، ۱۳۸۲: ۲۱۸/۸؛ ابن‌نقطه، ۱۴۱۰ق: ۴۵۴/۱)؛ «تاریخ شیراز» ابوالقاسم هبة‌الله الشیرازی (د. ۴۸۵ق) (الخطیب البغدادی، ۱۴۱۷: ۱۸۹/۱؛ السمعانی، ۱۳۸۲: ۳۶۷/۲).

بحث و بررسی

برای توضیح بیشترِ دو بار تصریح حاکم به استاد این شیخ فارسی، یعنی ابومصعب زُهری، مهم‌ترین منبع تهذیب الکمال مِزی (د. ۷۴۲ق) است که نه تنها به شرح حال تمام راویان صحاح ششگانه پرداخته است، بلکه فهرست نسبتاً مفصّلی از کسانی عرضه کرده که از ابومصعب زُهری مدنی (فقیه و قاضی اعتزالی مدینه در ایام خلافت مأمون) روایت کرده‌اند یا وی از آن‌ها روایت نموده است. مِزی در پایان ترجمه حال ابومصعب زُهری، ضمن بیان اخذ روایت و کسب دانش او از امام سجّاد^(ع) و مالک بن انس، از میان راویان غیر عرب وی، همچون نسائی، زکریا سجزی (معروف به خیاط السنّة)، ابوزرعه و ابوحاتم رازی، از فقیه و محدّثی با نام اسحاق بن احمد الفارسی یاد نموده است (المِزی، ۱۴۰۰ق: ۲۸۰/۱).

به‌رغم آگاهی‌های اندک و پراکنده، با جستجو در منابع رجالی و جوامع حدیثی بازمانده، جز تعیین کنیه و شهرت این اسحاق بن احمد فارسی، می‌توان به اطلاعات و جزئیات بیشتری نیز دست یافت. ابن ماکولا، و به پیروی از او سمعانی، به مناسبت یادکرد نَسب و نام نیای فرد مورد بررسی، عنوان کامل او را اسحاق بن احمد بن زیرک یزدی ضبط نموده و موضوع یکی از نگارش‌های او را «مُسند» دانسته است. همچنین از میان مَشایخ او، به محمّد بن حُمید رازی (از استادان ترمذی، ابن حنبل و ابن جریر طبری) اشاره کرده و ابن‌برزویه اصفهانی (معروف به غلام نفظویه) را از شاگردان او دانسته است (نک. ابن‌ماکولا، ۱۴۰۰ق: ۴۵۶/۱؛ السمعانی، ۱۳۸۲ق: ۴۹۳/۱۳).^۱

ابوالشیخ انصاری نیز، که گویا شاگرد وی بوده، یک‌بار از پدر او با عنوان ابوجعفر احمد بن زیرک یزدی یاد کرده و روایتی به واسطه او درباره «استواء خداوند بر عرش» نقل نموده است (نک. البیهقی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۵/۲؛ همو، ۱۴۰۱ق: ۱۱۹/۱). ابوالشیخ در

۱. ظاهراً سمعانی با آگاهی از تباین ظاهری میان دو نسبت «فارسی» و «یزدی» مزبور، در آغاز این مدخل (الیزدی)، یزد را از کوره‌ها و مُضافات اصطخر فارس دانسته است (نک. السمعانی، ۱۳۸۲ق: ۴۹۳/۱۳) و یاقوت حموی نیز در نیمه نخست قرن هفتم، همچون دیگر مواضع، بی‌کم‌وکاست آن را از سمعانی نقل نموده است (نک. یاقوت الحموی، ۱۹۹۵م: ۴۳۵/۵).

طبقات المحدثین بأصبهان چند بار به سماع خود از اسحاق بن احمد الفارسی تصریح نموده و در یک مورد به استناد گفتار او، وجه تسمیه اصفهان را ضمن عبارتی فارسی در متن آورده است (ابوالشیخ، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۴۹). در این میان تراجم‌نگاران مصر و شام به روشنی تقریباً همه جا (مثلاً نک. المزی، ۱۴۰۰ق: ۱۳/۹۲، ۱۵/۲۱۵، ۱۵/۳۸۰، ۲۴/۴۳۴، ۲۶/۹، ۲۶/۱۴۳؛ الذهبی، ۱۴۰۹ق: ۷/۱۴۲) از نام نیای او با نسبت مکانی «الفارسی»^۱ یاد کرده‌اند و با ذکر نام کامل او (اسحاق بن احمد بن زیرک الفارسی)، وی را از رویان و شاگردان عبدالرحمن بن عمر اصفهانی ازرق (آسمانی چشم) معروف به رُسته اصفهانی دانسته‌اند (نک. المزی، ۱۴۰۰ق: ۱۷/۲۹۶).

معاصر مزی، ذهبی فراتر رفته و افزون بر ذکر عنوان کامل این دانشمند (اسحاق بن احمد بن زیرک الفارسی)، به کنیه او (ابویعقوب) نیز اشاره کرده و سال مرگ وی را هم تعیین نموده است. ذهبی، ذیل وفیات، درگذشت او را رجب سال ۳۰۹ق ذکر کرده است (نک. الذهبی، ۱۴۰۹ق: ۷/۱۴۲).

با توجه به شیوه استقصایی مزی در إحصاء تفصیلی استادان و رویان عالمان ومحدثان و منحصر به فرد بودن تنها یک دانشمند فارسی از این مجموعه در سِلک شاگردان ابومصعب زُهری از سوی، و هم طبقه بودن ابن زیرک با استادان و مشایخ ابوالعباس میکالی مورد اشاره حاکم (به لحاظ زمانی) از سوی دیگر، چنین به نظر می‌رسد که، به احتمال بسیار، راوی موطأ مالک و دارنده عنوان «شیخ بحر فارس» مذکور در تاریخ نیشابور همو باشد^۲، هرچند سبب گمنامی و نامعلوم بودن نام و عنوان دقیق وی را در هر دو موضع تاریخ حاکم ندانیم. از طرفی، با فرض این که ابن زیرک همین شخص بوده باشد، کاربرد تعبیر «شیخ بحر فارس»،

۱. چنین به نظر می‌رسد که عمده توجه نویسندگان ایرانی همچون ابوالشیخ، ابن ماکولا، بیهقی و سماعی، بیشتر ناظر به نسبت دقیق محلی ناحیه یزد بوده است، در حالی که نویسندگان شامی و مصری در صدد آند تا او را به واحد جغرافیایی بزرگ‌تر و مشهورتر آن، یعنی فارس، منتسب نمایند.

۲. کلان‌سال بودن میکالی هنگام درگذشتش (در ۹۲ سالگی) نیز بهره‌یابی او از ابن زیرک و مشایخ هم طبقه او را تا اندازه‌ای توجیه می‌نماید.

بسان دیگر تعابیر مشابه، این پرسش را پیش می‌کشد که آیا محلّ سکونت او در یکی از سواحل یا جزایر «دریای پارس» بوده است؟ با توجه به دو گزارش حاکم درباره میکالی، پاسخ اجمالاً مثبت است، اما تعیین دقیق‌تر محلّ حیات و حضور این دانشمند را دست‌کم در مقاطعی^۱ از زندگی، چگونه می‌توان به دست داد؟ شاید به کمک ساخت‌های همسان ترکیب اضافی پیش‌گفته بتوان به این مهم دست یافت. یک نمونه مشابه «شیخ البحر» در اشاره به یک صاحب‌منصب سیاسی منسوب به «البحر^۲ / بحر پارس» را می‌توان در ترکیب «سلطان البحر»^۳ نشان داد که به والی مستقل^۴ یا نیمه‌مستقل^۴ منطقه اطلاق می‌شده و بدین طریق بر جزیره‌ها، بندرگاه‌ها و آبراهه‌های تجاری و کشتیرانی خلیج فارس ریاست و حکومت داشته و عمدتاً تا پیش از حوالی قرن هشتم هجری تختگاه‌شان جزیره کیش/قیس^۵ بوده است. این جزیره در این زمان از کوره اردشیرخرّه فارس بوده (نک. ابن بلخی،

۱. بی‌گمان در این ساخت، ترکیب اضافی (غیروصفی) «شیخ بحر فارس» که متضمّن سه تقدیر و در نتیجه سه معنای منحصر «لام» اختصاص، «من» نشویه و «فی» ظرفیت می‌باشد، هر یک موجد مفهومی مشخص و متفاوت طیّ دوره مزبور خواهد بود.

۲. در منابع، عنوان «البحر» عبارت بود از «جزایری که از حدّ سند تا عمان در بحر فارس است [و آنها را] از حساب مُلک فارس شمرده‌اند و بزرگترین آن به کثرت مردم و نعمت، جزایر قیس و بحرین است» (مستوفی، ۱۳۸۱ش: ۱۹۵).

۳. برای نمونه‌ای از کاربرد «سلطان البحر»، نک. جنید الشیرازی، ۱۳۲۸ش: ۲۳۹، در ضمن ترجمه حال شیخ عقیف‌الدین اسرائیل خنجی، که تا پایان عمر (د. بعد از ۷۰۰ق) در جزائر هرمز می‌زیسته است: «ورثب سلطان البحر مَحْمَلًا لِلْحِجَاجِ... ثُمَّ أُرْسِلَهُ سُلْطَانُ الْبَحْرِ إِلَى شِيرَاز لِرِسَالَةِ أَنْفَذَهَا إِلَيْهِ...». حافظ نیز در بیتهی ترجمه فارسی این ترکیب را به صورت «پادشه بحر» به کار برده است:

پایه نظم بلند است و جهانگیر بگو تا کند پادشه بحر دهان پرگهرم

(حافظ، ۱۳۷۶: ۳۹۵/۱)

۴. «... و حکام قیس در ایام سالف اکثر ولایات ایران بتخصیص تمام مُلک فارس را از توابع قیس شمرده‌اند و قیس را دولتخانه خوانده‌اند» (مستوفی، ۱۳۸۱ش: ۱۹۵).

۵. از حدود سال ۷۰۰ تا حوالی سال ۹۱۳ق که پرتغالی‌ها بر جزایر هرمز دست یافتند، هرمز مرکزیت بحر پارس را پس از کیش به دست آورد.

۱۳۷۴ش: ۱۰۳) و به جهت امتیازاتی چون بارانداز بودن برای کشتی‌های هندی و کالاهای تجاری آن (نک. یاقوت الحموی، ۱۹۹۵: ۴۲۲/۴)^۱، غوص بر مروارید (استخراج مروارید)، و رونق تجارت آن در داخل شهر و سواحل جزیره، کیش را «دولتخانه» خوانده و دیگر جزایر دریای پارس را «همه از توابع دولتخانه قیس» دانسته‌اند (نک. مستوفی، ۱۳۸۱ش: ۱۹۵).

بر این اساس - و صرف نظر از این که لقب «شیخ البحر» احتمالاً خالی از طعن و تعریضی هم نباشد^۲ - ابن زبیرک فارسی دست کم برهه‌ای از مقاطع حیات علمی خویش را در جزیره کیش یا جزایر تابعه آن گذرانده و با توجه به آوازه و جایگاه علمی او در این منطقه، به وی عنوان «شیخ بحر فارس / شیخ البحر» داده شده است. در این صورت می‌توان این گونه انگاشت که علی‌رغم انتساب این دانشمند به جزایر دریای پارس، به هنگام حضور میکالی در فارس و تحصیل علم در آن خطه، ابن زبیرک دست کم در فواصلی از سال به شیراز می‌آمده و در آنجا حلقه‌های درس و تحدیث و املاء برقرار می‌نموده است. بدین ترتیب و بر پایه مطالب پیش گفته، به نزدیک‌ترین احتمالات می‌توان هویت دانشمند معروف به «شیخ بحر پارس» را در ابن زبیرک فارسی سراغ گرفت.

نتیجه

در کنار برخی احادیث و اخبار تردیدآمیز و برساخته صدر اول اسلامی در مدح یا ذم «بحر پارس»^۳، که به لحاظ متنی و سندی همواره عرصه گفتگوهای درازدامنی را فراهم آورده، و نیز

۱. «... ولملک [کیش] هیبة وقدّر عند ملوک الهند لکثرة مراکبه ودوانیجه وهو [الملک] فارسیّ ... وعنده الخیول العرب الکثیرة والنعمة الظاهرة...».

۲. وجه احتمالی تعریض آمیز بودن لقب «شیخ البحر» از آن جهت می‌تواند باشد که در برخی از آثار معرّب یا عربی، حیوانی دریایی نیز به همین نام موسوم است؛ مثلاً در آثار و متونی همچون هزار و یکشب (الف لیلة وليلة، بخش قصه شیخ البحر) و حیاة الحیوان الکبری دمیری (۱۴۲۴ق: ۶۹/۱). به درستی دانسته نیست که آیا ارتباط و پیوندی معنادار میان عنوان این حیوان آبی (شیخ البحر) و لقب استاد میکالی (شیخ بحر فارس / شیخ البحر) وجود دارد یا آنکه این شباهت صرفاً از باب اشتراک لفظی است؟

۳. درباره اخبار و احادیث مدح و ذم مناطق و شهرها تحت عنوان «فضائل البلدان»، از «تفاضل البلدان» ابن عبد ربّه ←

برخی ادعاهای انکارآمیز اخیر محافل عربی در عدم انتساب و تعلق این دریا به فارس، شاید یکی از اطمینان‌بخش‌ترین موضوعات در اثبات اصالت نام خلیج فارس، در کنار نقشه‌ها و تصاویر تاریخی، القاب و عناوینی همچون «شیخ بحر فارس» باشد که در متن فرهنگ زمانه شکل گرفته و متضمن وثاقت و اصالت انتساب این دریا به فارس است. با توجه به شواهد ارائه شده در متن، ضمن دلالت تاریخی «شیخ بحر فارس»، مقصود از این شخصیت مذکور در تاریخ نیشابور حاکم، ابویعقوب اسحاق بن احمد بن زیرک فارسی یزدی است که در ایام تحصیل ابوالعبّاس میکالی نیشابوری در فارس، الموطأ مالک را که از ابومصعب زهری مدنی (راوی مالک و قاضی مدینه در ایام خلافت مأمون) روایت نموده بود، به او و دیگر علم‌آموزان این ناحیه آموخته است.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۷۴ش). فارسنامه. توضیح و تحشیه: منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمّد ابوعمر الأندلسی (۱۴۰۴ق). العقد الفرید. تحقیق: د. مفید محمّد قُمیحة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن ماکولا، الامیر علی بن هبة الله الجرفاذقانی (۱۴۰۰ق). الاکمال فی رفع الإرتیاب عن المؤتلف المختلف. تصحیح: عبدالرحمن الیمانی المعلمی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن نقطة الحنبلی البغدادی (۱۴۱۰ق). إکمال الإکمال. تحقیق: عبدالقیوم عبد ربّ النبی. مکه المکرمة: جامعة أمّ القُری.
- ابوالشیخ الانصاری، ابومحمّد عبدالله الاصبهانی (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م). طبقات المحدثین بأصبهان والواردین علیها. تحقیق: عبدالغفور عبدالحقّ حسین البلوشی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابو یعلی الموصلی، احمد بن علی بن المثنی (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). مُسند أبی یعلی الموصلی. تحقیق: إرشاد الحقّ الأثری. جدّة: دار القبلة للثقافة الإسلامیة.

→

اندلسی (۱۴۰۴ق: ۲۷۵/۷) تا «الممدوح من البلدان والمذموم منها وغرائبها»ی مجلسی اصفهانی (۱۴۰۳ق: ۱۶۸/۵۵)، بحث فراوان است و نوعاً این دست آثار را می‌توان از تولیدات جریان‌ها، طیف‌ها و گروه‌های مختلف و متعلق به عصر منازعات قومی، کلامی و سیاسی از اوایل سده دوم تا نیمه سده چهارم دانست که بازتاب نمونه‌ای از آن‌ها را در قالب گفتار پیغمبر در مسند ابی یعلی موصلی بغدادی (د. ۳۰۷ق) درباره وجود دجال در دریای فارس یا دریای روم می‌توان جست (نک. ابویعلی الموصلی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۹/۴).

- البيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين الخسروجردي (١٤١٣ق/١٩٩٣م). الأسماء والصفات. تحقيق و تخريج: عبدالله بن محمد الحاشدي. جدّه: مكتبة السوادي.
- البيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين الخسروجردي (١٤٠١ق). الاعتقاد والهداية إلى سبيل الرّشاد على مذهب السّلف وأصحاب الحديث. تحقيق: احمد عصام الكاتب. بيروت: دار الآفاق الجديدة.
- جُنيد شيرازي، ابوالقاسم معين الدين (١٣٢٨ش). شدّ الإزار في حَطّ الأوزار عن زوّار المَزار. تصحيح: محمّد بن عبد الوهّاب قزويني. طهران: چاپخانه مجلس.
- حافظ شيرازي، شمس الدين محمد (١٣٧٦). ديوان. تدوين و تصحيح رشيد عيوضي، ج١. تهران: نشر صدوق.
- الخطيب البغدادي، ابوبكر احمد بن علي (١٤١٧ق/١٩٩٧م). تاريخ بغداد. دراسة و تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية.
- الذهبي، الحافظ شمس الدين محمّد بن احمد الشامي (١٤٠٩ق). تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام. تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري. بيروت: دار الكتاب العربي.
- السمعاني، ابوسعّد عبدالكريم بن محمّد المروزي (١٣٨٢ق/١٩٦٢م). الانساب. تحقيق: عبدالرحمن المعلّم اليماني. حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية.
- الدميري، كمال الدين محمّد بن موسى (١٤٢٤ق). حياة الحيوان الكبرى. بيروت: دار الكتب العلمية.
- المجلسي الأصفهاني، محمّدباقر بن محمّدتقي (١٤٠٣ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار. بيروت: مؤسسة دار الوفاء.
- المزي، ابوالحجاج يوسف بن عبدالرحمن القضاعي الكلبّي (١٤٠٠ق/١٩٨٠م). تهذيب الكمال في أسماء الرجال. تحقيق: بشر عوّاد معروف. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مستوفي قزويني، حمدالله (١٣٨١ش). نزهة القلوب. تصحيح: سيّد محمّد دبيري سايقي. قزوين: حديث امروز.
- ياقوت الحموي، شهاب الدين بن عبدالله الرومي (١٩٩٣م). معجم الأدباء. تحقيق: إحسان عبّاس. بيروت: دار الغرب الاسلامي.
- ياقوت الحموي، شهاب الدين بن عبدالله الرومي (١٩٩٥م). معجم البلدان. بيروت: دار صادر.

ISSN 1561-9400

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

